

یک حزب نو به نام «نسل نو»

در روزهای گذشته نخستین نشست خبری مسئولان یک حزب جدید بر گزار شد. این حزب که نام خودش را «نسل نو» گذاشته، معتقد است یک تشکل گام دومی و نسل سومی است و آمده تا نقطه اتصال اصول گرایی و اصلاح طلبی باشد. مهدی اقراریان دبیر کل این حزب معتقد است خرد گرایی

آرش خلیل خانه | اسدالله بادامچیان از قدیمی ترین و پر سابقه ترین چهره های فعال سیاسی و حزبی کشور است. ۹ سالگی فعالیت سیاسی را از مساجد و حسینیه ها با فدائیان اسلام آغاز کرده و پیش از انقلاب بارها

توسط ساواک بازداشت، زندانی و شکنجه شد. او اکنون دبیر کل حزب مؤتلفه اسلامی است. همچنین بادامچیان یکی از اعضای شورای وحدت اصول گرایان در انتخابات اخیر ریاست جمهوری بود که با محوریت جامعه روحانیت

صحبت کنیم. از این رو باید یک اصلاحی صورت گیرد تا با مردم بتوان به راحتی گفت وگو و گفتمان اجتماعی را راه اندازی کرد. دبیر کل حزب نسل نو گفت: در این ۴۰ سال گذشته نتوانسته ایم احزاب را به ابزاری برای گفت وگو بین جامعه و حکومت قرار بدهیم و باید بعد از بیانیه گام دوم، احزاب به اصالت خود

مبارز وارد صحنه شد و از سید ابراهیم رئیسی حمایت می کرد. حالا در آستانه رسیدن به ماه چهارم دولت به سراغ اسدالله بادامچیان رفته ایم تا ضمن جویا شدن ارزیابی او از عملکرد دولت به عنوان یک چهره پیشگسوت سیاسی و حزبی،

نظرش را درباره ریشه های انتقاد حداقل بخشی از جریان اصول گرایی از تعامل دولت با آن ها و برخی اقدامات و قوانین تصویب شده در دولت و مجلس جویا شویم. حاصل این گفت وگو را در ادامه بخوانید.

اسدالله بادامچیان، دبیر کل حزب مؤتلفه اسلامی در گفت وگوی مشروح با قدس تشریح کرد

رابطه ناقص احزاب و دولت ها

■ **رابطه متقابل احزاب و دولت ها را در طول چهار دهه گذشته چگونه ارزیابی می کنید؟**
ما در بیش از چهار دهه که از عمر جمهوری اسلامی می گذرد، تنها یک دولت حزبی یا در واقع شبه حزبی داشته ایم و آن دولت شهید رجایی بود. البته زمانی که آقای هاشمی هم دولت را در دست گرفت هنوز متکی به پیشینه حزب جمهوری اسلامی بود و بعد از آن ما دولت حزبی نداشته ایم. در نتیجه، هر کس رئیس جمهور شده کابینه و معاونان و مدیرانش را از طیف خودش انتخاب کرده که بالطبع چنین چینی شی از مدیران دارای یک برنامه از قبل مشخص و تدوین شده بر مبنای پیشینه کارشناسی منسجم نیست و گروه و طرح آماده ندارد. در نتیجه وقتی دور هم جمع می شوند، تازه باید فکر کنند که چه کار باید بکنند. موضوع دیگر اینکه در دولت غیرحزبی اختلاف دیدگاه ها- هرچند کابینه و تیم در اصول با هم هم نظر و همراه باشند- موجب می شود دولت ها نتوانند سریع اقدام کنند. این را در دولت آقای خاتمی که کاملاً در دست اصلاح طلبان طیفی بود دیدیم، دولت آقای احمدی نژاد هم به همین دلیل مجبور شد مکرر وزیرانش را تغییر دهد و تیمش را به روز کند. آقای روحانی هم به همین شکل بیشترین جابه جایی وزیران و اعضای کابینه را داشت. دولت آقای رئیسی هم به همین شیوه و ساختار تشکیل شده است. بهترین راه این است که یک حزب قوی و مسلط در کشور دولت را تشکیل دهد یا دو یا چند حزب بتوانند با هم کار کنند و دولت تشکیل دهند. وقتی که احزاب بر سر کار بیایند و بتوانند دولت تشکیل دهند، چون از قبل تیم و برنامه و طرح و ایده و سازمان و پشتوانه کارشناسی دارند، می توانند موفق تر و منسجم تر عمل کنند.

■ **شما به ضعف در کار تشکیلاتی دولت ها با احزاب اشاره کردید. موضوعی که چندی پیش آقای پورمحمدی دبیر عالی جامعه روحانیت مبارز و شورای وحدت نیز به آن اشاره و از دولت هم انتقاد کرد. اما پرسش این است که ما اساساً تشکیلات سازمان یافته و اصولی به معنای عام آن داریم که انتظار داشته باشیم دولت ها متعهد به کار حزبی و تشکیلاتی با آن ها باشند؟ مثلاً در همین انتخابات ما دو مجموعه داشتیم، شورای وحدت و شورای ائتلاف، عرصه این است که این دو بیشتر حالت ریش سفیدی و هیئتی داشت تا کار حزبی، این ها حتی اساسنامه و ثبت هم نداشتند؟**

من می گویم ما داریم. اما نوع تحزب ما در نظام اسلامی با تحزب در نظام کمونیستی و لیبرالی فرق می کند. در نظام کمونیست همه چیز اعم از قوه قضائیه، مجلس، ارتش، وزارتخانه ها و سازمان ها، در اختیار نظام تک حزبی و دیکتاتوری است که

نمونه آن شوروی سابق و چین است.

ما در نظام اسلامی نمی توانیم این کار را بکنیم. در نظام اسلامی، تک حزبی و تک صدایی ممکن نیست و حاکمیت حزبی در نظام اسلامی معنا ندارد. حاکمیت در نظام اسلامی از آن خداست. در نظام های لیبرال غربی هم ساختار حزبی و حکومت با نظام اسلامی ما متفاوت است. در این کشورها ساختار حکومت مادی گراست. در ظاهر می گویند انتخاب و خواست مردم و احزاب، ولی در پشت پرده مردان خاکستری هستند که امور حکومت و حزب را اداره می کنند. در نظام اسلامی امور در زمان غیبت امام معصوم در اختیار ولی فقیه عادل است، به همین علت هم تحزب در نظام اسلامی با کل دنیا متفاوت است. این تحزب در قوه قضائیه نمی تواند دخالت کند، درحالی که در نظام کمونیستی دخالت می کند. ولی ما دولت و مجلس حزبی با رأی مردم را می توانیم داشته باشیم اما با تنفیذ ولی فقیه. پس می توانیم دولت حزبی داشته باشیم؟ من عرض می کنم بله! آیا حزب داریم؟ بازهم می گویم بله. در اول انقلاب شهید رجایی و شهید باهنر از حزب مؤتلفه به ریاست جمهوری و نخست وزیری برگزیده شدند.

■ **ولی فقط همین دوره بود؟**

آقای هاشمی هم جزو روحانیت مؤتلفه بودند. حتی فرمان زدن منصور را هم آقای هاشمی دادند. ایشان نیز سال ها به پشتوانه حزب جمهوری اسلامی

و خردورزی در تصمیمات زمینه وحدت سیاسی را فراهم می کند و گفته است: امروز در دهه پنجم انقلاب اسلامی قرار داریم. گفت وگو، گمشده این دهه است؛ زیرا جامعه ای که نتواند باهم گفت وگو کند به آن آرمانی که مدنظر دارد، نخواهد رسید.

وی ادامه داد: در ۴۰ سال گذشته نتوانسته ایم با مردم



دولت آقای روحانی به دنبال حل مشکلاتش از کانال رابطه و توافق با غرب و اروپا بود. دولت جدید اما علاوه بر متحدان و شرکای اصلی اقتصادی ما که اشاره شد، معطل نمانده و از هر ظرفیتی برای حل مشکلات کشور استفاده کرده و به دنبال توسعه روابط خارجی کشور با همه جهان بوده است. چهارمین راهبرد مؤثر دولت نیز تقویت همکاری های اقتصادی با کشور های همسایه بوده است. حتی در مورد افغانستان که طالبان بر سر کار آمدند، برخلاف اصلاح طلبان که می گفتند نباید با طالبان رابطه برقرار کرد، دولت سیزدهم بسیار منطقی و درست عمل نمود

جریان مقابل شده، چرا؟

همان طور که گفتید این اتفاق هم برای اصول گرایان رخ داده و هم برای اصلاح طلبان. این اتفاق نه مثبت است و نه منفی و هم مثبت است و هم منفی، در مثال کمی ترش و شیرین است. این طور هم نیست که اگر بین دولت و مجلس ناهماهنگی و تفاهم باشد، یک امر مثبتی است! یا اینکه تصور کنیم اگر بین مجلس و دولت همخوانی و همصدایی کامل باشد، خیلی چیز مثبتی است!

این چه ربطی دارد به مسئله اصلاح طلب و اصول گرا؟! ببینید! یک جریانی در کشور به نام اصلاح طلب شکل گرفته و آقای خاتمی را به قدرت رساند. چرا؟ چون مردم احساس می کردند مشکلاتی که در دوران آقای هاشمی پدید آمده با رویکرد طیف خاتمی که متماثل به نرمش با غرب بود، حل می شود. اما دولت خاتمی نشان داد این کار شدنی نیست و آنچنان بد عمل کرد که گرایش مردم تغییر کرد و به آقای احمدی نژاد متمایل شدند. عملکرد آقای احمدی نژاد و چند نفر خاص اطراف او که تبدیل به یک دارو دسته شدند هم در دولت دوم ایشان موجب زمین خوردنشان شد و از دل آن اتفاق ها دولت روحانی سر برآورد.

بعد از آقای احمدی نژاد مردم به سرغ اصلاح طلبان نرفتند، نه خاتمی اقبالی داشت نه معین آمد و نه میر حسین موسوی و کسانی که فتنه را به وجود آوردند. چرا؟ چون برای جامعه ما بحث اصلاح طلب و اصول گرا مطرح نیست. آن ها کسی را می خواهند که بتواند مشکلات را حل کند. اگر دولت آقای رئیسی هم خوب عمل نکند، مردم به سراغ یک طیف و گروه دیگر می روند، ما باید تلاش کنیم دولت آقای رئیسی در این برهه و گام دوم انقلاب موفق باشد.

■ **ارزیابی شما از عملکرد ۱۲۰ روزه دولت بر مبنای شعارهای رئیس جمهور چیست؟**

عملکرد یک دولت در ۱۲۰ روز مشخص نمی شود و قابل تحلیل و ارزیابی دقیق و کامل نیست، به خصوص اگر دولت حزبی نباشد. باهمه این اوصاف من معتقدم دولت آقای رئیسی در این ۱۲۰ روز یک دولت موفق به حساب می آید. به خاطر اینکه در مهار بحران کرونا که دنیا گرفتار آن بوده در همین مدت کم توانست خیلی خوب عمل کرده و عقب ماندگی ها را جبران کند. دولت سیزدهم دو سیاست درست را در این زمینه به کار گرفت. دولت آقای روحانی می خواست با تعطیلی ها با کرونا مبارزه کند، اما دولت آقای رئیسی با تأمین معیشت مردم و واکسیناسیون به جنگ کرونا رفت. کسی که مریض نیست، چرا باید در خانه بماند و بیکار باشد و معیشت او دچار مشکل شود. رعایت شیوه نامه های بهداشتی و مراقبت های لازم بهداشتی و فاصله گذاری اجتماعی و درعین حال

واکسیناسیون گسترده در جامعه و همزمان تقویت خدمات درمانی در محیط کار و کسب کمک کرد مردم به تولید و رشد اقتصادی کشور کمک کنند و دولت هم مجبور نباشد با مشقت زیاد به مردم یارانه معیشتی بدهد. در نتیجه این سیاست می بینیم این روزها آمار مرگ و میر کرونا که به بالای ۵۰۰ نفر رسیده بود، الحمدلله به زیر ۱۰۰ نفر رسیده است. مهار این همه گیری کار بسیار سخت و بزرگی بود که ایشان در آن موفق شد و با وجود اینکه دولت قبل همه چیز حتی واردات واکسن را به برجام و افای تی اف منوط کرده بود، دولت آقای رئیسی نشان داد همه امور وابسته به توافقی به نام برجام نیست. انصافاً همه دستگاه ها هم پای کار آمدند؛ از بسیج و نیروهای مسلح و نیروهای مردمی و کادر پزشکی و درمانی یک حرکت ملی شکل گرفت.

موضوع دوم انتخاب مدیران و عناصری است که بر اساس معیارها، متدین و در مسیر انقلاب و معتقد به کار جهادی هستند. کادر ایشان مسئله دار نیست و حرف و حدیث هایی که بعضاً با برخی افراد در دولت های قبلی داشتیم، دیگر وجود ندارند. تنها مسئله در مورد تیم دولت جدید این است که برخی از آن ها تجربه کافی را ندارند و افراد تازه کار هستند و ما قدری در مورد کارآمدی آن ها بحث داریم. اما این مسئله مهمی نیست و اگر آقای رئیسی احساس کند درجایی نیاز به تغییر هست، طبعاً این کار را انجام خواهد داد. مسئله سوم که در دولت ایشان رخ داده، حرکت مردمی ایشان است. آقای رئیسی در سفرهای استانی بین مردم هستند، سفرهایشان تبلیغی و تریبونی نیست. ایشان راحت به میان مردم می رود و خودش با آن ها صحبت می کند و در جریان مشکلات آن ها قرار می گیرد که اتفاق مثبتی است. علاوه بر این آشنایی، تسلط و شناختی که ایشان از قوه قضائیه دارد هم ظرفیت بسیار خوبی است که امکان همکاری دو قوه را برای مقابله با فساد فراهم می کند و از نظر برخی تلاش ها برای حل مشکلات اقتصادی دولت خدمات خوبی که ارائه داده در حد چهار ماه قابل قبول است.

■ **اما این نقد مطرح می شود که در حوزه اقتصاد و تورم که یکی از دغدغه های مردم بوده، آنچنان که انتظار می رفت دولت نتوانسته به اهداف اعلام شده خودش برسد، چه مولفانی مقابل این هدف بوده، ضمن اینکه گزارش دیوان محاسبات نشان می دهد کمی بیش از ۲۰ درصد از احکام بودجه ۱۴۰۰ تا آبان ماه اجرایی و محقق شده، به نظر شما این چه دلیلی دارد، قانون بودجه قابل تحقق نیست؟**

عملکرد اقتصادی دولت چند بخش دارد. یکی از آن ها اقدامات اساسی و زیربنایی است. مثل اینکه ما بعد از مدت ها تلاش به عضویت پیمان شانگهای درآمدیم. این یک موفقیت بود که می تواند برخی مشکلات اقتصادی و تجاری ما را حل کند. راهبرد



اختلاف سلیقه در کنار تفاهم

اسدالله بادامچیان با اشاره به اینکه در حال حاضر هر سه قوه یکدست شده اند، گفت: اکنون قوای سه گانه باید با هم بسازند. اینکه اختلاف سلیقه و نگرش و روش دارند، حرف درستی است. اما این را نمی شود از بین برد، در جامعه انسانی که آزادی جریان داشته باشد، این نوع اختلاف سلاقی حتی در جریان یک طیف هم پدید می آید، مهم این است که بتوانند در کار تفاهم کنند.



در حاشیه

قانونی جامع برای تجمعات در راه است

دبیر کمیسیون ماده ۱۰ احزاب گفته است: دولت تأکید دارد فضای آرام و شادابی را برای احزاب فراهم کند و این مهم برای وزارت کشور در اولویت قرار می گیرد، به گزارش ایلنا، محسن اسلامی افزوده است: هرچه ما پایبند به قوانین باشیم، رابطه بهتری را با احزاب خواهیم داشت. درخصوص برگزاری تجمعات فضای تعامل بین وزارت کشور و مجلس در حال شکل گیری است. وی با اشاره به اینکه مجلس در حال کار کارشناسی است و هنوز به جمع بندی نرسیده، اظهار داشته: مجلس قانون جامعی را در دستور کار قرار داده و این مسئله در کارگروه مشترک بین مجلس و وزارت کشور در حال بررسی است.